

## بررسی جایگاه زنان در محتوای برنامه های توسعه بعد از انقلاب

دکتر حبیب اله آقابخشی \* مهرنوش محتشمی \*\*

**چکیده:** برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خطوط اساسی و جهت‌گیری‌های کلی هدف‌ها و سیاست‌های هر بخش را تعیین می‌کنند و امور اجرایی نیز در مسیر آن هدف‌ها پیش می‌روند. در حال حاضر نقش زنان برای سازمان‌ها و برنامه‌ریزان امور توسعه یک اولویت انکارناپذیر محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت زنان در فرایند توسعه، پژوهش حاضر با هدف شناخت جایگاه زنان در محتوای برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای مفهومی، تقسیم کردن متغیر جایگاه زنان به 15 مقوله ریزتر و سنجش میزان فراوانی هر مقوله در هر برنامه توسعه به صورت جداگانه، به انجام رسید. پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی بود که زنان جامعه ایران در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی کشور از چه جایگاهی برخوردار بوده‌اند. در نهایت از تحلیل و بررسی جداول حاصل از تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه می‌توان چنین نتیجه گرفت که با گذشت زمان از برنامه اول به چهارم، حساسیت برنامه‌ریزان به مسئله جنسیت و زنان بیشتر شده و به موازات تدوین و تصویب مواد قانونی، نهادها، تشکیلات و برنامه‌های متناظری نیز برای تحقق این هدف هم به وجود آمده است.

**کلید واژه‌ها:** برنامه‌های توسعه، توانمندسازی زنان، جایگاه زنان، رویکرد انسانی در توسعه.

### مقدمه

در قرن اخیر در اغلب کشورها، برنامه‌های توسعه با هدف‌های متناسب و خاص تدوین و اجرا می‌گردد. در کشور ایران نیز این نوع برنامه‌ریزی دارای چند دهه سابقه است. ارتقای استانداردهای زندگی، افزایش درآمد سرانه، رشد اقتصادی مطلوب، افزایش امکانات زیستی، رفاهی و اجتماعی همه از موضوعاتی هستند که شهروندان به عنوان حقوق مدنی خویش از لابه

---

\* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. [haghabakhshi7@gmail.com](mailto:haghabakhshi7@gmail.com)

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

[mohtashami.ir@gmail.com](mailto:mohtashami.ir@gmail.com)

لای سطور برنامه های توسعه کشور جستجو می کنند و بدین علت انتظار دارند که سمت گیری قانون برنامه، کمک مؤثر و کارایی برای تحقق هدف های مدیریتی باشد. قانون برنامه از یک سو ابزاری برای آسان شدن دسترسی به هدف ها و سیاست های کشور و از سوی دیگر راهنمای تدوین سیاست های توسعه و رسیدن به چشم انداز های کشور است.

برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خطوط اساسی و جهت گیری های کلی هدف ها و سیاست های هر بخش را تعیین می کنند و امور اجرایی نیز در مسیر آن هدف ها پیش می روند. در نهایت برنامه های توسعه در افکار و اندیشه های عوامل سیاست گذار و اجرایی که هر یک به نوعی در تحقق هدف های برنامه، مسئولیتی خاص بر عهده دارند، تاثیر می گذارند. یک برنامه توسعه به همان اندازه که به منابع و سرمایه های مادی وابسته است به کیفیت منابع و سرمایه های انسانی قابل دسترس نیز اتکا دارد و می توان گفت که آنچه امروزه به آن نیازمند هستیم، رهیافتی است که در آن توسعه فرایند مداوم رشد قابلیت ها و توانایی های انسان ها در نظر گرفته شود.

در حال حاضر یکی از ضعف های عمده در تدوین راهبردهای توسعه محسوب نکردن نقش و قابلیت های بالقوه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. بنابراین باید قبل از هر چیز، جایگاه زنان در برنامه های توسعه، مشخص شود، زیرا زنان نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه ای هستند، بلکه عامل پیشبرد هدف های توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می آیند. به همین دلیل لازم است راهبردها و برنامه های توسعه و نیز پروژه ها، به گونه ای طراحی شوند که متضمن یکپارچه سازی و مشارکت کامل زنان در تمامی سطوح برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی، در هر مرحله از چرخه فرآیند توسعه باشند، تا علاوه بر هموار شدن راه مشارکت و افزایش نقش اساسی زنان، منافع، حقوق و پاداش های متناسب با سهم آنان در این زمینه تضمین و تامین گردد.

### طرح مسئله

از دهه 1350 مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرآیند برنامه های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان های توسعه ملی و بین المللی شد. تا سال 1359 بسیاری از کشورها و سازمان های بین المللی مسائل مربوط به زنان را آشکارا در برنامه های توسعه خود قرار دادند و پروژه های توسعه در سال های پس از جنگ جهانی دوم به پدیده ای فراگیر تبدیل شد.

توسعه در مفهومی کلان، بر بهبود همه عرصه‌های زندگی دلالت دارد. این عرصه‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که چشم انداز ایدئولوژیکی افراد کنترل‌گر و هدایت کننده برنامه‌های توسعه‌ای در آن منعکس می‌شود.

هر گاه در فرایند توسعه به صورتی یکپارچه و هماهنگ عمل شود در نتیجه آن رشد و پیشرفتی همه جانبه برای همه مردم- چه زن و چه مرد- را شاهد خواهیم بود، اما شواهد نشان می‌دهند که در برنامه‌های توسعه به شیوه های گوناگون، زنان نادیده گرفته شده اند و در نتیجه این برنامه‌ها به آنها آسیب رسیده است. برنامه‌ریزان توسعه در عرصه بین‌المللی اکنون تأکید دارند که زنان در دسترسی به منابع قدرت و کنترل بر منابع اقتصادی نباید از مردان عقب باشند تا بتوانند معیارها و اولویت‌های زنانه را در برنامه ریزی های کشور بگنجانند (نقش زنان در توسعه، 1372).

یکی از مهم‌ترین ارکانی که در آن می‌توان جایگاه زنان در توسعه را بررسی کرد، سیستم‌های برنامه ریزی کشور و دیدگاه‌های کلان برنامه ریزان و سیاست‌گذاران است، چرا که در تحلیل برنامه ها مشخص می‌شود که به زنان چگونه نگاه شده است و حاصل این نگرش به مسائل زنان در قالب طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی به سازمان‌ها و نهادهای مربوطه ابلاغ می‌شود. با توجه به اینکه موضوع زنان در توسعه به یکی از مهم ترین مسائل برنامه ریزان توسعه تبدیل شده است و این موضوع از نظر وجهه خارجی ما در میان سایر کشورها دارای ابعاد بین المللی و گسترده است و همچنین از لحاظ فراهم آوردن قوانین و الزاماتی برای حصول به نتایج مطرح شده در برنامه های توسعه ای، نیاز به چنین احساس می‌شود تا با بررسی جایگاه زنان در فرآیند توسعه و تأکید بر برنامه های توسعه ای بعد از انقلاب بتوان، پی به نوع نگاه دولت و برنامه ریزان برد و تغییرات نگرشی را که در طول این چهار برنامه رخ داده است با مطالعه عمیق و تحلیل محتوای برنامه های ویژه مربوط به زنان (با توجه به شرایط خاص جامعه ایران) شناسایی کرد.

### هدف های پژوهش

امروزه بحث توسعه و روند حرکت به سمت ارتقای کمی و کیفی شاخصه‌های پیشرفت و توسعه از عوامل بسیار مهمی هستند که تمام تلاش تصمیم‌گیران و سردمداران کشورها، به خصوص

جهان سوم را به خود معطوف کرده است. کشور ما نیز از این روند جدا نیست و بحث‌ها و تلاش‌هایی که به نوعی چه در قوه مقننه و چه در قوه مجریه صورت می‌گیرد، گواه این مطلب است. پژوهش حاضر دارای دو فراز و زمینه است: نخست بر آن است محتوای چهار برنامه توسعه کشور را که بعد از انقلاب تدوین شده‌اند، بررسی و از لابه لای سطور برنامه‌ها هر جا نامی از زنان و دختران یا مادران برده شده است استخراج کند. در واقع هدف اصلی پژوهش، شناخت جایگاه زنان در محتوای برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب است. در توضیح هدف‌های اختصاصی این پژوهش باید گفت پژوهشگر به دنبال آن است که سهم ویژه و جداگانه زنان را در برنامه‌های توسعه کشور شناسایی کند؛ همچنین با تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه، به دنبال روشن ساختن نوع نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان دولتی به جایگاه زنان در این برنامه‌هاست. هدف کاربردی تحقیق آن است که با توجه به نتایج نهایی، هنگام تدوین برنامه پنجم توسعه دقت و ظرافت بیشتری در برنامه‌ریزی برای مسائل زنان اعمال شود و برنامه‌ها با توجه به تغییراتی که در شرایط کلی و عمومی زنان جامعه رخ داده است، طوری طرح‌ریزی شود که قادر باشد راهکارهای موثرتری برای پیشرفت و ارتقای سطح زندگی زنان جامعه عرضه کند. این تحقیق می‌تواند در سازمان برنامه و بودجه کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور فعلی) و همچنین مجلس شورای اسلامی از لحاظ تدوین قوانینی برای پیشبرد اهداف توسعه مورد استفاده قرار گیرد؛ همچنین همه سازمان‌ها و نهادهایی که سهمی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های کشوری در خصوص مسائل مربوط به زنان دارند، می‌توانند از نتایج این تحقیق بهره‌گیرند.

### پرسش‌های اساسی پژوهش

با توجه به نکاتی که گفته شد پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که: زنان جامعه ایران در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور از چه جایگاهی برخوردار بوده‌اند؛ آیا در برنامه‌های توسعه سهم ویژه و جداگانه‌ای برای زنان و مخصوصاً آنها در نظر گرفته شده است یا خیر؛ نوع نگاه مسئولان به زنان در برنامه‌های توسعه چگونه است.

### چهارچوب نظری

در همه راهبردهایی که صاحب نظران توسعه مطرح کرده‌اند آنچه مورد تأکید قرار گرفته و

تجربه کشورهای توسعه یافته نیز آن را تأیید کرده است، نقش انسان‌ها به عنوان مهم‌ترین منابع توسعه اقتصادی و اجتماعی است؛ زیرا امروزه مزیت دسترسی به منابع طبیعی در امکان بهره‌مندی از شاخص‌های توسعه و موفقیت در رقابت اقتصاد بین‌المللی جای خود را به مزیت بهره‌مندی از نیروی انسانی محقق، خلاق و مبتکر داده است، نیرویی که قادر است منابع و امکانات لازم توسعه را بیافریند (نظری، 1387، آنلاین).

"آمار تیا سن" با تأکید و توجه خاصی که بر عامل انسانی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دارد، تفسیر ویژه‌ای از توسعه را مطرح می‌کند. از نظر آمار تیا سن، توسعه عبارت است از افزایش توانمندی‌ها و بهبود استحقاق‌ها. بنابراین اقداماتی که توانمندی‌های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش دهد، عوامل پیش برنده توسعه و اقداماتی که منجر به کاهش توانمندی‌های انسان شود، عوامل بازدارنده توسعه محسوب می‌گردند (نشریه سازمان ملل درباره زنان، 1999).

با توجه به تعاریف مذکور، امروزه دیگر توسعه، محصور در مفاهیم و مصادیق اقتصادی نیست، بلکه با تلقی جدید، مفهوم توسعه فرآیندی همه جانبه است که به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه معطوف می‌شود. از این رو توسعه، کلیه عوامل مؤثر در بهبود شرایط زیستی، یعنی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را در برمی‌گیرد (سن، 1379).

### رویکردهای فمینیستی به توسعه

در طی کمابیش چهار دهه، گفتمان توسعه بسته به ضرورت‌های خود و زیر فشار مسائلی که در مقوله زنان می‌بایست به آن پاسخ داده می‌شد، چهارچوب‌های متفاوتی را اختیار کرد. هر یک از این چهارچوب‌ها در عین حال که کاربردهایی داشتند، دستخوش نارسایی‌ها نیز بودند. از نظر زمانی، نخستین چهارچوبی که برای گنجاندن زنان در امر توسعه اقتصادی و اجتماعی به کار بسته شد "زن در توسعه" نام گرفت. این چهارچوب در نخستین سال‌های دهه 1970 تحت تأثیر اندیشه‌ها و خواست‌های لیبرال فمینیست‌ها شکل گرفت.

توجه اصلی این دیدگاه به نقش تولیدی زنان بود و برای دستیابی به فرصت‌های برابر آموزشی و بهداشتی از راه ایجاد اصلاحات حقوقی و اداری برای زنان تلاش می‌کرد. حتی در

مواردی که براساس رویکرد، در برنامه ریزی‌های توسعه به زنان توجه می‌شود، بیشتر مسؤولیت آن‌ها در بهداشت، تنظیم خانواده، تغذیه و بچه داری مدنظر قرار می‌گردد، اما معمولاً برای انتقال مهارت‌هایی که زنان از طریق آنها بتوانند نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود را بشناسد و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند تلاشی صورت نمی‌گیرد. چهارچوب دیگری که در نیمه دوم دهه 70 میلادی متداول شد "زن و توسعه"<sup>1</sup> نامیده می‌شد. براساس این دیدگاه، زنان عملاً در حوزه اقتصاد، حضور تعیین‌کننده‌ای دارند و در نتیجه در فرآیند توسعه نیز دارای نقش اساسی هستند؛ منتها وضعیت نابرابر کشورهای جهان سوم با جهان توسعه‌یافته به‌طور کلی بر زنان و مردان به یک اندازه فشار وارد می‌آورد. در این دیدگاه تأثیر ساختارهای مردسالارانه موجود بر سرکوب زنان نادیده انگاشته می‌شد و مبتنی بر این باور بود که هرگاه بشر بتواند ساختارهای برابری برای رشد اقتصادی و اجتماعی در جهان برقرار کند، موقعیت زنان نیز به همین نسبت بهبود خواهد یافت. در واقع، دیدگاه زن و توسعه در فرآیند رشد اقتصادی و اجتماعی به نقش‌ها و مناسبات موجود میان دو جنسیت توجهی نداشت. به مرور و بیشتر از دهه 80 میلادی به این‌سو، چهارچوب دیگری در انتقاد به چهارچوب‌های قبلی شکل گرفت که بیشتر تحت نفوذ و تاثیر اندیشه و آرای فمینیسم سوسیالیستی بود و به "جنسیت و توسعه"<sup>2</sup> مشهور است. ویژگی این دیدگاه آن است که برای بهبود وضعیت زنان تنها آنها را مورد خطاب قرار نمی‌دهد و به حساس‌سازی مردان در خصوص علت‌های فرودستی زنان نیز توجه دارد. به علاوه، برخلاف دیدگاه‌های یادشده، صرفاً به افزایش نقش تولیدی زنان و رفع موانع در راه ایفای این نقش نظر ندارد، بلکه افزون بر این به همه جنبه‌های زندگی زنان می‌پردازد. برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر این چهارچوب به نقش‌آفرینی خود زنان به عنوان عاملان رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی توجه دارند و زنان را به مرتبه دریافت کنندگان یارانه‌ها فرو نمی‌کاهند. افزون بر این، در این دیدگاه وجود چهره‌های گوناگون مردسالاری، به عنوان مانعی کلی برای رشد و ادغام زنان در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود. زنان در این رویکرد همچون کارگزاران فعال در نظر گرفته می‌شوند نه فقط «دریافت‌کننده‌های منفعل توسعه». همچنین نقش دولت نه فقط به عنوان کارفرمای مهم و اصلی، بلکه به عنوان

1. Women and development
2. Gender and development

فراهم آورنده سلامت، آموزش و خدمات آموزشی برای ارتقای آزادی زنان، از مباحث و گفت‌وگوهای بسیار مهم در این چهارچوب است.

علاوه بر سه دیدگاه فوق، در دهه 90 و پس از آنکه بحث و گفت‌وگو بر سر مباحث زیست محیطی بالا گرفت، چهارچوب دیگری هم پدید آمد که برای زنان در حفظ محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه پایدار نقش عمده‌ای قائل بود و با عنوان "جنسیت، محیط زیست، توسعه" مطرح شد.

اما در ایران رویکردهای موجود در مورد نقش زنان در توسعه را می‌توان به سه گروه کلی تقسیم بندی کرد. اولین دیدگاه، رویکرد مذهبی یا توسعه انسانی نام دارد. براساس این رویکرد، توسعه، عاملی برای بهینه سازی کیفی سطح زندگی معرفی شده است. زنان در این رویکرد، حتی اگر در نظام تولید صنعتی شرکت نداشته باشند، یعنی در بازار کار شغلی نداشته باشند، باز هم در روند توسعه نقش اساسی ایفا می‌کنند. آنها با تربیت نیروی کار و فراهم کردن محیط آرام در منزل، شرایط مناسب کاری را برای مردان فراهم می‌کنند.

دومین دیدگاه در مورد نقش زنان در توسعه، رویکرد فمینیستی است. فمینیسم با اندیشه دفاع از حقوق زنان به وجود آمد و از همان ابتدا فعالیت خود را در جهت تلاش برای آگاهی زنان از حقوق خود سازمان داد. فمینیست‌ها یکی از دلایل در حاشیه قرار گرفتن زنان را ماندن آنها در خانه و عدم شرکت در فعالیتهای اجتماعی می‌دانند. در نتیجه به نظر آنها همه زنان باید در فعالیتهای اجتماعی و روند توسعه شرکت داشته باشند و جامعه باید زمینه اشتغال زنان را فراهم کند.

سومین و آخرین رویکرد، رویکرد عدالت جنسیتی است. طرفداران این رویکرد معتقدند زنان امروز به اندازه مردان توانایی دارند و استفاده نکردن از این نیروی کار آماده باعث به وجود آمدن ناهنجاری در جامعه می‌شود. رویکرد عدالت جنسیتی براساس توازن است و ساختار نابرابر و تبعیض آمیز علیه زنان را مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد در پی ایجاد فرصتهای مساوی برای زنان و مردان در کلیه بخش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی است تا زمینه عدالت اجتماعی مهیا شود. در واقع رعایت انصاف و عدالت ایجاد می‌کند که زنان نیز در فرآیند سیاست‌گذاری، تصمیم سازی و تصمیم‌گیری مشارکت کنند و با تصویب قوانین از حقوق کامل برخوردار باشند.

### چهارچوب نظری: تحلیل جنسیتی

امروزه جنسیت مفهومی تحلیلی است. به کارگیری یک رویکرد مبتنی بر جنسیت یا تحلیل جنسیتی به این معناست که سازمان‌ها تاثیر (بالقوة) سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌هایشان بر زنان، مردان و روابط میان آنان را ارزیابی می‌کنند (شاطری، 1388. آنلاین).

تحلیل جنسیتی و توجه به جنسیت در امر برنامه‌ریزی از ابزارهای اصلی توسعه یافتگی در جهان کنونی است، ابزاری که می‌تواند نمای سه بعدی و واضح تری از نقش زنان و موقعیت و نیازهای آنان را به تصویر بکشد. در یک کلام، تحلیل جنسیتی به معنای نگرستن به تفاوت‌ها نیست، بلکه به معنای تحلیل چگونگی منجر شدن تفاوت‌های مذکور به نابرابری قدرت در میان زنان و مردان است. هدف جامعه‌ای که به جنسیت حساسیت دارد، تغییر و بهبود شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی است. اگر هر دستگاه اجرایی بخواهد نگرانی‌های جنسیتی را در برنامه‌ها و خدمات اساسی خود به جریان اندازد، نخست باید در حوزه‌هایی که مایل است آن را توسعه دهد، تصویر روشنی از نقش جنسیت و تقسیم کار اجتماعی و اقتصادی پدید آورد، این امر نیز با استفاده از چهارچوب‌های تحلیل جنسیتی به عنوان ابزار برنامه‌ریزی، محقق می‌شود.

### روش پژوهش

این پژوهش از انواع مطالعات توصیفی است و هدف محقق از اجرای آن، توصیف عینی، واقعی و منظم یک موضوع خاص است. از این رو پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای مفهومی و با هدف شناسایی جایگاه زنان در محتوای برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، اجرا شده است.

در ابتدا مشخص می‌کنیم که تعریف پژوهشگر از جایگاه زنان چه بوده است. می‌توان جایگاه اجتماعی را درجه‌ای تعریف کرد که یک فرد در جامعه دارد. در واقع توان زنان در برخورداری از امکانات خاص و پیروی آنان از اصول و ایده‌آل‌های جامعه، تعیین‌کننده جایگاه اجتماعی آنهاست (جیمز وود، آنلاین).

با توجه به این تعاریف، در نهایت، پژوهشگر متغیر "جایگاه زنان" را به 15 مقوله جزئی‌تر تقسیم بندی کرده و آنها را مورد بررسی قرار داده است؛ این مقوله‌ها عبارت‌اند از: جایگاه زنان در نهاد خانواده، امور اقتصادی و اشتغال، آموزش و تحصیلات، توجه به کیفیت زندگی زنان، مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، ورزش و اوقات فراغت، مسائل مربوط به بیمه و



تامین اجتماعی، موارد مربوط به سلامت و باروری، توجه به توانمندسازی زنان، حمایت از زنان سرپرست خانوار (خودسرپرست و بی سرپرست)، حمایت از حقوق زنان (امور حقوقی و قضائی)، نقش زنان در توسعه و تاکید بر حفظ شئون اسلامی و مذهبی زنان در جامعه. این مقوله ها صرفاً براساس مفاد قانون برنامه های توسعه انتخاب شده اند.

#### - جمعیت آماری پژوهش (جامعه تحقیق)

با توجه به عنوان تحقیق که "بررسی جایگاه زنان در محتوای برنامه های توسعه بعد از انقلاب" است، جمعیت آماری این پژوهش، هر چهار برنامه توسعه بعد از انقلاب است.

#### - نمونه آماری

برنامه های توسعه شامل بندها، مواد و تبصره های مختلف است. برای اجرای درست و جامع این تحقیق، هر چهار برنامه همراه با همه ماده ها و تبصره های آن مورد بررسی قرار گرفت و چون هدف پژوهشگر ارائه تصویری کامل از جایگاه زنان در این برنامه ها بود، با وجود حجم زیاد، همه آنها شامل نمونه آماری پژوهشگر بودند و انتخابی از میان این چهار برنامه صورت نگرفت.

#### - واحد تحلیل

در این مرحله درباره اینکه مفهومها دقیقاً به همان شکلی که در متن می آیند کدگذاری شوند یا سایر شکل های مختلف نیز، مورد بررسی قرار گیرند تصمیم گیری شد و با توجه به اینکه متغیر "جایگاه زنان" به 15 مولفه (مقوله) جزئی تر تقسیم شد، گرچه واحد تحلیل (ثبت) واژه زنان بوده است، برای دقت در اجرای آن، واژه های مترادف یعنی "بانوان"، "خانمها"، "نسوان" و حتی معادل عربی "اناث" و "دختران" نیز به عنوان سطح تحلیل در نظر گرفته شد. در واقع همه این واژگان، کدگذاری شدند و مورد بررسی قرار گرفتند.

#### - روش جمع آوری داده ها

از آنجا که تحقیق حاضر از انواع تحقیقات توصیفی با روش تحلیل محتواست، نحوه گردآوری داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای است. برای تهیه قانون برنامه های توسعه در بعد از انقلاب، از اسناد و مدارک مکتوب موجود در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس

جمهور، استفاده شد در آنجا، پژوهشگر برای اشراف بهتر و عمیق تر به موضوع تمام متن‌ها، لوايح و قوانین برنامه‌های توسعه را مطالعه کرد و بند به بند قوانین را به صورت دستی مورد بررسی قرار داد. همچنین برای دقت بیشتر، از مجمع تشخیص مصلحت نظام، برنامه‌های توسعه به صورت فایل متنی رایانه‌ای دریافت شد و برای حذف احتمال خطای چشمی پژوهشگر، این قوانین با برنامه WORD، به صورت رایانه ای نیز مورد بررسی مجدد قرار گرفت.

### – شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر شیوه تجزیه و تحلیل داده ها روش تحلیل محتوا بوده است؛ پس از محاسبه پانزده مولفه مربوط به جایگاه زنان، توزیع فراوانی ها در جداول مربوط به هر برنامه توسعه به صورت جداگانه مشخص و از دیدگاه جنسیتی تحلیل شدند.

### یافته های تحقیق

#### – تحلیل برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور:

براساس تحلیل محتوای برنامه اول توسعه مشاهده می‌شود که به‌طورکلی 15 بار در این برنامه از زنان نام برده شده است. بیشترین فراوانی با 4 بار تکرار به مقوله آموزش و تحصیلات بانوان اختصاص دارد و بعد از آن بیشترین تکرار را – یعنی سه بار – مقوله مربوط به سلامت و باروری دارد.

امور اقتصادی و اشتغال بانوان و مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی نیز هر یک با دو بار تکرار، مورد توجه قرار گرفته اند. همچنین در برنامه اول توسعه به موضوع نهاد خانواده و حفظ شئون اسلامی و مذهبی زنان در جامعه نیز هرکدام یک بار اشاره شده است. اولین برنامه پنج ساله توسعه (1372-1368) در واقع معطوف به بازسازی خرابی‌ها و تامین رشد اقتصادی بود و از این رو در آن زمان مسئله جنسیت و شکاف‌های جنسیتی چندان مطرح نشد، به همین دلیل نشان اندکی از زنان و توجه به موضوع آنان در قانون برنامه مشاهده می‌شود. البته در مجموعه کتاب‌ها و اسناد برنامه اول توسعه، در ذیل خط مشی‌ها و در ردیف سوم به گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی و تعلیم و تربیت اختصاص دارد، در بند 18 آن به مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن، اشاره شده است. همچنین در ذیل خطوط کلی سیاست تحدید

موالید نیز به کنترل جمعیت و کاهش باروری زنان اشاره شده، ضمن اینکه از ضرورت اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی جامعه و خانواده نیز سخن رفته است. همچنین در این برنامه بر تقویت آموزش آمادگی دفاعی در مدارس دخترانه نیز تأکید شده است و باتوجه به رویکرد برنامه که تقویت بنیه دفاعی کشور است، می‌تواند توجیه‌کننده باشد. تکراری‌ترین مقوله این برنامه یعنی آموزش و تحصیلات، نشان دهنده فهم برنامه‌ریزان از این عامل مهم و اساسی در زندگی زنان است، چرا که اولین گام برای به میدان آوردن زنان در فرایند توسعه، آموزش دادن آنهاست. در جهانی که روز به روز به سمت تخصصی‌تر شدن می‌رود، توجه به آموزش زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، نیازی است که در برنامه اول توسعه نیز خود را نشان داده است. بر این اساس برنامه ریزان خواهان بالا بردن سطح سواد و دانش عموم افراد جامعه به خصوص زنان بوده اند تا از این طریق زمینه های مشارکت بیشتر زنان در امور اقتصادی را نیز فراهم کنند. از آنجایی که در دوره زمانی برنامه اول توسعه هدف طراحان برنامه کنترل موالید و تحدید جمعیت بوده است، بر مقوله باروری و تنظیم خانواده نیز تأکید شده است و در واقع حتی در پی آن بوده اند که از طریق گسترش آموزش و آگاهی مادران، موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده را نیز تضمین کنند. برنامه ریزان به درستی متوجه شده بودند که بدون ایجاد تغییر در جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، و نیز بهبود بهداشت و کاهش مرگ و میر، امکان تحدید موالید میسر نیست. اما با وجود اینکه برنامه ریزان خواهان مشارکت بیشتر زنان در امور اقتصادی هستند و در دو جای برنامه، به مشارکت بیشتر آنها در امور اقتصادی اشاره کرده اند، در هیچ کجای برنامه اول توسعه از اشتغال زنان یا فراهم کردن شرایط کار برای آنها صحبتی به میان نمی‌آید و عدم توجه به چنین موضوع مهمی، شاید بیانگر آن باشد که سهم زنان در به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی کشور و اداره کردن خود و جامعه شان، نادیده گرفته شده است.

در کنار این موضوع، موارد بسیار دیگری هم مورد بی توجهی مسئولان و برنامه ریزان قرار گرفته است که مانند زنجیره‌ای به هم متصل به اعتلای جایگاه زنان کمک می‌کنند. مثلاً موضوع توانمندسازی زنان، مسایل زنان بی سرپرست یا خودسرپرست، حمایت‌های حقوقی و قانونی مورد نیاز برای مشارکت زنان در امور مختلف جامعه، نیاز زنان شاغل به حمایت‌های بیمه یا تامین اجتماعی، برنامه های اوقات فراغت و شرکت در امور ورزشی از مواردی هستند

که در برنامه اول مورد غفلت قرار گرفته اند، در حالی که همه آنها از نیازهای ضروری زنان برای مشارکت در فرایند توسعه کشور و حتی حضور در امور سیاسی است.

### - تحلیل برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور:

در قانون برنامه دوم توسعه (1374-1378) در مجموع هشت بار به موضوع زنان اشاره شده است. یک بار در بخش تبیین خط مشی های اساسی و نیز در بند 5 که به تأمین اجتماعی اقشار نیازمند و زنان و کودکان بی سرپرست و معلولان مربوط می شود، به زنان اشاره شده و آنها را از اقشار آسیب پذیر محسوب کرده اند. یک بار نیز در ذیل تبصره 12 که مربوط به تخصیص اعتبار برای بهبود تأمین اجتماعی جامعه از طریق پرداخت مستقیم کمک معاش ماهانه به اقشار کم درآمد است، زنان و کودکان بی سرپرست اقشار کم درآمد محسوب شده اند. هم چنین در بند 13 از خط مشی های اساسی، به مشارکت بیشتر بانوان و زنان در امور اجتماعی اشاره شده و در بخش مسائل مربوط به جمعیت، بر آموزش زنان در مورد باروری و کنترل آن تأکید شده است. بجز این موارد در بند 12 از بخش خط مشی های اساسی و در تبصره 65 به مقوله ورزش و اوقات فراغت زنان اشاره شده و دولت مکلف شده است در مورد ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش آموزان دختر و بانوان با توجه به حفظ شئون زن در جامعه اسلامی اقدام کند.

بررسی های پژوهشگر نشان می دهد که در کل قانون دوم برنامه توسعه، وظایف قانونی مجریان برنامه فقط شامل پرداخت وجه به زنان بی سرپرست و تأمین نیازهای ورزشی و پرکردن اوقات فراغت دختران و زنان بوده است.

اگر بخواهیم با رهیافت حساسیت جنسیتی به این برنامه نگاه کنیم و همچنین رویکرد توسعه قابلیت های انسانی و عاملیت زنان در توسعه را مدنظر بگیریم، در واقع به هیچ نتیجه ای نخواهیم رسید، چراکه تنها به زنان بی سرپرست و آن هم از طریق کمک های ماهانه توجه شده است، در حالی که می بایست برای همان قشر آسیب پذیر، برنامه های توانمندکننده ای در نظر گرفته می شد و بر ضرورت آموزش این زنان کم درآمد یا کمک کردن به اشتغال آنها باشد تأکید می شد. در این برنامه آنگاه به جای تأکید بر مقوله های مهم و تاثیرگذار بر سرنوشت زنان، فقط دو بار به موضوع ورزش و تأمین فضاهای ورزشی اشاره شده است. جدول برنامه دوم توسعه، جای خالی مقوله های مهم مربوط به جایگاه زنان را به وضوح نشان می دهد و این در

حالی است که اگر رویکرد برنامه ریزان مبتنی بر تخصیص یکسان منابع به همه مردم اعم از زن و مرد باشد، باز هم زنان به دلیل سالها دور بودن از حضور اجتماعی، نیازمند توجه خاص و ویژه ای هستند. اما حتی مواردی از برنامه اول که در آنها بر آموزش و اشتغال زنان تأکید شده بود، در این برنامه کاملاً فراموش شده و حتی همان خط سیر ادامه پیدا نکرده است، این در حالی است که مسئولان برنامه ریزی توسعه کشور علاوه بر نگاه پنج ساله به هدفهای مملکت، باید هدفهای کلان تر و چشم اندازهای وسیع تر مسائل را در نظر داشته باشند و حتی از روند اتفاقات و تحولات جهانی که مطمئناً بر سرنوشت همه انسانها به خصوص زنان تأثیر می گذارد نیز غفلت نورزند.

#### - تحلیل برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور:

توجه به مسئله جنسیت و زنان از برنامه سوم شروع شده است. در واقع این برنامه با نگرش سیاست‌گذاران مبنی بر مشارکت بیشتر زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه بوده است، از این رو نسبت به دو برنامه قبلی توسعه، موارد بیشتری را مدنظر قرار داده‌اند. 21 بار تکرار واژه زنان در برنامه سوم، خود نشان دهنده تفاوت این برنامه با دو برنامه قبلی است. در این برنامه توجه به مقوله اشتغال زنان با چهار بار تکرار در صدر تأکید بر امور زنان قرار دارد. در قسمتی از برنامه که به بیان سیاست‌های اشتغال می پردازد و در ماده 56، نظام بانکی کشور موظف شده است تسهیلاتی فراهم کند تا کسانی که امکان تهیه وسایل کار خود را ندارند بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند. این تسهیلات عبارت اند از: وام‌های بدون بهره که با اولویت واگذار می‌شوند. این اولویت بعد از بیکاران ساکن در روستا شامل زنان بیکار سرپرست خانوار می‌شود. در سه مورد دیگر به مقوله امور اقتصادی و اشتغال زنان اشاره دارد که عبارت‌اند از: قسمت نظام درآمدهزینه استان که برنامه‌هایی برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان در آن پیشنهاد شده است. قسمت "ب" ماده 158 که مرکز امور مشارکت زنان را موظف کرده تا طرح‌های لازم برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنها را تهیه و تدوین کند. در قسمت "د" از همین ماده نیز ضرورت تهیه و تدوین طرح‌های لازم برای بهره‌گیری از خدمات اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی بیان شده است.

در واقع مهم‌ترین ماده قانونی در برنامه سوم، ماده 158 است که به طور خاص و ویژه،

موضوع زنان و ضرورت اجرای اقدامات در این زمینه را به شرحی که در متن قانون آمده است، مورد تأکید قرار دهد. از دیگر نکات اساسی در برنامه سوم توسعه مقارن شدن آن با راه اندازی نهادی به عنوان "مرکز امور مشارکت زنان" بود. به استناد بند (5) ماده 158 قانون برنامه سوم توسعه و آیین نامه اجرایی آن و همچنین 5 آیین نامه اجرایی بند ب تبصره 7 قانون بودجه سال های 1382 و 1383، مرکز امور مشارکت زنان مسئول اجرای امور ستادی ماده 158 و هماهنگی با دستگاه های اجرایی ملی - استانی و سازمان های غیردولتی موضوع آیین نامه اخیر الذکر و عرضه گزارش بوده است. به دنبال اجرای ماده 158، "برنامه توسعه مشارکت های اجتماعی و فرهنگی زنان" را "مرکز مشارکت زنان" پیشنهاد داد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی از سال 1382 در ذیل فصل ((فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی)) به اجرا درآمد؛ در نتیجه علاوه بر فراهم آوردن امکان اجرای طرح های مرتبط در دستگاه های اجرایی ملی و استانی، اجرای ماده 158 در مرکز امور مشارکت زنان با اعتبارات تخصیص یافته به آن مرکز، ذیل برنامه 30228 تداوم یافت (گزارش اجرای ماده 158 قانون برنامه سوم توسعه 1384: صص 6 و 7).

همان طور که ملاحظه می شود، براساس این بند، مرکز امور مشارکت زنان سابق (امور زنان و خانواده فعلی) ریاست جمهوری، وظیفه مسئول اجرای اقداماتی برای بهبود شرایط زنان در زمینه های آموزشی، فرهنگی و ورزشی، فرصت های اشتغال و ارتقای شغلی، تسهیل امور حقوقی و قضایی بانوان و بهبود شرایط زنان بیکار سرپرست خانوار، شده است. در واقع راه اندازی مرکزی مخصوص برای تحقق هدف مشارکت زنان در جامعه آن هم در متن قانون برنامه توسعه، بیانگر جدی بودن این برنامه از لحاظ توجه به زنان است. اما در این برنامه نیز جای خالی توجه به کیفیت زندگی زنان و مشارکت در امور سیاسی و توجه به توانمندسازی آنها، همچنان دیده می شود، اما در این برنامه به طور مشخص به موضوع سلامت و باروری اشاره نشده است این امر نشان دهنده موفقیت نسبی برنامه های کنترل جمعیت است و به نظر می رسد که امر مهم کنترل جمعیت از مسایل اصلی و مورد تأکید در حوزه زنان محسوب نشده است.

#### - تحلیل برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور:

برنامه چهارم هم از نظر حجم موادی که به زنان اختصاص دارد و هم از نقطه نظر رویکرد متفاوت به مبحث جنسیت، دارای نکات قابل توجهی است. این برنامه با 39 فراوانی، رکورددار

تمام برنامه‌های توسعه در خصوص توجه به زنان است. در نمودار فراوانی مقوله‌ها در برنامه چهارم، بیشترین فراوانی یعنی 9 بار تکرار، به مقوله امور اقتصادی و اشتغال تخصیص یافته و این در حالی است که از مقوله آموزش و تحصیلات با 5 فراوانی یاد شده است. از آنجایی که در روند معمول و معقول دستیابی به اشتغال، آموزش و تحصیلات بخش زیربنایی و اولیه محسوب می‌شود، کم توجهی به این مقوله، می‌تواند نکته تامل برانگیزی باشد.

درباره برنامه چهارم می‌توان گفت که این برنامه با رویکرد توانمندسازی به مقوله زنان پرداخته است، به خصوص در جایی که از زنان سرپرست خانوار صحبت می‌شود، سعی بر این است که محور حمایت از آنها توانمندسازی باشد و فقط یک جا آن هم در ماده 96 و قسمت ل درباره افزایش مستمری ماهانه خانواده های نیازمند و زنان سرپرست خانوار تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی صحبت شده است. سایر موارد به توانمندسازی زنان از طریق طرح‌هایی جامع اختصاص دارد. در واقع جای خالی مقوله توانمندسازی زنان در سه برنامه قبلی، در این برنامه با چهار فراوانی، تا حدودی جبران شده است.

از وجوه دیگر تمایز برنامه چهارم نسبت به سایر برنامه‌ها آن است که برابری فرصت‌ها میان زنان و مردان، مورد توجه قرار گرفته است. یعنی در جایی که از دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی در مدارس یا استفاده از دوره های آموزش ضمن خدمت برای ارتقای مهارت‌های شغلی صحبت می‌شود موضوع برابری فرصت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و با تأکیداتی نظیر "به ویژه برای دختران" یا "به خصوص برای زنان" ضرورت توجه بیشتر به زنان گوشزد می‌شود و این خود نشان از تفاوت دیدگاه برنامه ریزان برنامه چهارم دارد. مشارکت زنان در امور سیاسی، امری است که در برنامه چهارم نیز مانند سه برنامه قبلی درباره آن سکوت شده است. علاوه بر آن از مقوله مشارکت در امور فرهنگی نیز نامی به میان آورده نشده است.

اما برجسته ترین ماده در این برنامه، ماده 111 است، به طوری که اگر این ماده را با ماده 158 برنامه سوم توسعه که مهم‌ترین ماده آن درباره زنان است مقایسه کنیم، متوجه تفاوت نگاه طراحان برنامه چهارم و سوم می‌شویم. ماده 158 برنامه سوم توسعه اهداف دولت درباره زنان را در چهارچوب اهداف مرکز امور مشارکت قرار می‌دهد و به این مرکز توصیه می‌شود که برای اجرای مأموریت های محوله از همکاری با دستگاه های مسئول غفلت نکند، در حالی که ماده 111 برنامه چهارم توسعه، دولت را به پیگیری اهداف برنامه درباره زنان موظف می‌کند و در تبصره این ماده، کلیه دستگاه های اجرایی موظف می‌شوند که تحقق اهداف برنامه را با

همکاری مرکز امور مشارکت زنان دنبال کنند (زعفرانچی، 1385: 113). در پایان این بخش جدول تحلیل مقایسه ای برنامه‌های توسعه در خصوص جایگاه زنان آمده است و در آن فراوانی هر مقوله در هر یک از چهار برنامه به تفکیک نشان داده شده است.

جدول 1- مقایسه برنامه های توسعه در خصوص جایگاه زنان

فراوانی در برنامه مقوله های مربوط به جایگاه زنان	فراوانی در برنامه اول توسعه	فراوانی در برنامه دوم توسعه	فراوانی در برنامه سوم توسعه	فراوانی در برنامه چهارم توسعه
تاکید بر نهاد خانواده	2	-	1	1
امور اقتصادی و اشتغال	2	-	4	9
آموزش و تحصیلات	4	-	3	5
توجه به کیفیت زندگی زنان	-	-	-	1
مشارکت در امور اجتماعی	2	1	2	4
مشارکت در امور فرهنگی	1	-	2	-
مشارکت در امور سیاسی	-	-	-	-
ورزش و اوقات فراغت	-	2	1	1
مسائل مربوط به بیمه و تامین اجتماعی	-	1	-	2
موارد مربوط به سلامت و باروری	3	1	-	-
توجه به توانمندسازی زنان	-	-	-	4
حمایت از زنان سرپرست خانوار (خودسرپرست و بی سرپرست)	-	2	2	4
حمایت از حقوق زنان ( امور حقوقی و قضائی)	-	-	3	6
تاکید بر نقش زنان در توسعه	-	-	3	2
تاکید بر حفظ شئون اسلامی و مذهبی زنان در جامعه	1	1	-	-

بحث و نتیجه گیری



به طور کلی در کشور ایران، برنامه ریزی های توسعه ای دارای چنددهه سابقه است. رشد اقتصادی مطلوب، ارتقای استانداردهای زندگی، افزایش درآمد واقعی سرانه، توسعه بر خورداری های زیستی، رفاهی و اجتماعی همه از مقولاتی هستند که شهروندان به عنوان طبیعی ترین حقوق مدنی خویش - از برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی کشور انتظار دارند و به همین علت می خواهند سمت گیری قانون برنامه، کمک مؤثر و کارایی به تحقق هدف های مدیریتی باشد. قانون برنامه از یک سو ابزار سهولت دسترسی به هدف ها و سیاست های نظام است و از سوی دیگر، راهنمای تدوین سیاست های توسعه و نیل به چشم اندازهای کشور محسوب می شود.

درست است که در برنامه های توسعه نیازهای اساسی باید برآورده شود، اما هدف های توسعه از این نیازها فراتر می رود و حق انتخاب و مشارکت انسان ها بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها را در برمی گیرد. به طور قطع رشد اقتصادی ضروری است، اما به تنهایی کافی نیست، زیرا مشارکت زن ها صرفاً در تأمین رشد اقتصادی، لزوماً به تعالی آنها ختم نمی شود (شادی طلب، 1381:25). در واقع برای رسیدن به هدف توسعه، نظریه های مختلفی در طول تاریخ مطرح شده که یکی از مهم ترین آنها نظریه «توسعه به مثابه آزادی» آمارتیا سن، فیلسوف و اقتصاددان هندی تبار انگلستان، استاد دانشگاه کمبریج و برنده جایزه نوبل اقتصاد در 1998 است. طبق این نظریه، توسعه مستلزم حذف موارد فقدان آزادی هاست یا به عبارت دیگر توسعه مستلزم گسترش و دوام آزادی است. از میان نظریات متعدد مربوط به توسعه که مورد مطالعه پژوهشگر قرار گرفت، این نظریه به عنوان دیدگاهی برای تحلیل و نتیجه گیری از داده ها، انتخاب شد (سن، 1381).

طبق نظریه توسعه به مثابه آزادی، توسعه را می توان فرآیند بسط آزادی های واقعی که مردم از آن برخوردارند، در نظر گرفت. آزادی ها نه تنها هدف های اولیه توسعه هستند، بلکه از ابزارهای اصلی آن نیز به شمار می روند. «سن» در بررسی رابطه توسعه و آزادی نشان می دهد که آزادی هم هدف اولیه توسعه و هم وسیله اصلی آن است و ارزیابی توسعه نمی تواند از بررسی اثرات سیاست های اقتصادی و اجتماعی بر زندگی مردم جدا باشد. تجزیه و تحلیل توسعه مستلزم درک جامع نقش های متعدد نهادهای مختلف و تعاملات آنهاست این ویژگی آزادی نمی تواند تسلیم دیدگاهی به توسعه شود که با سهولت به فرمول ساده تراکم سرمایه یا بازکردن بازارها یا داشتن برنامه ریزی اقتصادی کارا تبدیل می شود. در حقیقت توسعه، پرداختن بسیار جدی به موارد ممکن آزادی است. از موارد بسیار مهم توسعه، گستره وسیع عاملیت زنان است

که یکی از نادیده مانده ترین حوزه های مطالعات توسعه است و با بیشترین فوریت به اصلاح نیاز دارد. پژوهشگر با در نظر گرفتن این نظریه به بررسی برنامه های توسعه پرداخت تا در اصول تدوین برنامه ها بتواند جایگاه زنان را بیابد و نگاهش به مفهوم توسعه این بود که توسعه فرصتی است برای آزادی زنان و تأیید و تصویب حق آنها در زمینه برخورداری از همه فرصت‌ها به صورتی مساوی با مردان. نظام‌های برنامه ریزی توسعه ای کشورها در خصوص جایگاه زنان دو رویکرد متفاوت را دنبال می‌کند. رهیافت اول **بی‌طرفی جنسیتی**<sup>1</sup> است و براساس آن برنامه‌ریزان بر این باورند که برنامه توسعه نمی‌تواند نگاه جنسیتی داشته باشد. برنامه برای همه مردم تدوین می‌شود و میان زنان و مردان از لحاظ مشارکت و برخورداری از منافع برنامه توسعه تفاوتی وجود ندارد و نیازی به مواد قانونی و تبصره های خاص برای زنان نیست. اما در رهیافت دوم یعنی **حساسیت جنسیتی**<sup>2</sup> برنامه‌ریزان بر این باورند که برای جبران عقب ماندگی‌های گذشته و تفاوت‌هایی که در زمان حال میان مردان و زنان تقریباً در همه ابعاد توسعه وجود دارد، باید به زنان توجه خاصی داشت. در نتیجه برنامه های توسعه را با دیدگاه جنسیتی و برابرگرایانه متناسب با کشور خود طراحی و تدوین می‌کنند. حتی تعدادی از کشورها در چهارچوب اصول و دیدگاه‌های کلی برنامه توسعه کشور، برنامه خاصی برای جمعیت زنان تدوین می‌کنند (مانند کشور فیلیپین) و در ارزیابی عملکرد برنامه ها نیز پیشرفت زنان براساس اهداف کمی و کیفی تعیین شده در برنامه خاص آنان اندازه گیری می‌شود. بنابراین می‌توان برنامه توسعه کشورها را براساس طیف ملاحظات جنسیتی بررسی کرد. طیفی که در یک سوی آن بی طرفی کامل به مساله جنسیت و دشواری‌های موجود در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه قرار دارد و سوی دیگر توجه کامل به این مسئله است (شادی طلب، 1381: 64).

### نقد و بررسی جایگاه زنان در برنامه های توسعه

پس از انقلاب اسلامی در خلال دوره های مختلف برنامه ریزی توسعه نگرش سیاست گذاران به مباحث جنسیتی ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، به گونه‌ای که می‌توان برنامه‌های اول و دوم توسعه را از لحاظ پرداختن به مباحث زنان، ضعیف ارزیابی کرد. یکی از علل اصلی بی‌توجهی

---

1. Gender neutral

2. gender sensitive

برنامه‌های نخست به بحث زنان، به تعویق افتادن اصل برنامه ریزی در کشور به مدت 11 سال بود، به گونه ای که تصویب اولین برنامه در سال 1368 موجب از دست دادن مدت زمان مؤثر برای شناسایی نیازها و اولویت بندی اهداف مربوط به موضوعات زنان شده بود. در دهه نخست بعد از انقلاب، آمار کم و محدود طرح‌های پژوهشی به ویژه تحقیقات مربوط به مسائل زنان به دلیل اولویت نداشتن این گونه تحقیقات در نهادهای سیاسی و تصمیم گیری های ملی، موجب فقدان تحقیقات زیربنایی در امر برنامه ریزی و اولویت بندی مسائل زنان گردید (زعفرانچی، 1385: 113).

به نظرمی رسد که در برنامه اول و دوم توسعه، موضوع زنان به عنوان زیرمجموعه ای از بحث کنترل موالید و جمعیت مدنظر بوده است حتی موضوع ورزش بانوان و تشویق آنها به مشارکت بیشتر در امور اجتماعی و فرهنگی اموری التیام بخش و تسکین دهنده تلقی شده بود و مسایل، مشکلات اساسی و واقعی زنان شناسایی نشده بودند. در برنامه سوم توسعه، ماده 158، مهم ترین ماده ای است که در قالب شرح وظایف مرکز امور مشارکت زنان مستقیماً به بحث درباره آنها می پردازد. در بخش های مهم برنامه از قبیل سیاست های آموزش و اشتغال، هیچ گونه تمایز قابل توجهی میان دو جنس ملاحظه نمی شود. نکته قابل توجه آن است که عدم تمایز میان دو جنس در برنامه سوم، کاملاً آگاهانه و مبتنی بر اصل بی طرفی جنسیتی بوده است. ماده 158 برنامه سوم، اهداف دولت درباره زنان را در چهارچوب اهداف مرکز امور مشارکت مشخص کرده و تأکید می کند که برنامه های دولت باید از طریق این مرکز پیگیری شود. در برنامه سوم، سیاست گذار ایده توانمندسازی زنان در حوزه بهداشت و آموزش را مطرح می کند. آموزش زنان ابزار رشد و ارتقای سرمایه انسانی به شمار می رود، اما آنچه در این برنامه تحقق یافت و در برنامه چهارم از آن به عنوان بحرانی بزرگ یاد شد، خیل عظیم بیکاران فارغ التحصیل دانشگاهی بود که از لحاظ ایجاد فرصت های شغلی برای آنان تدابیری اندیشیده نشده بود. در واقع آنچه در برنامه سوم توسعه مورد توجه سیاست گذار بوده، بی طرفی جنسیتی است (شادی طلب، 1381).

در برنامه چهارم توسعه، اولویت تجهیز مدارس دخترانه در ماده 52، اولویت آموزش ضمن خدمت زنان در دستگاه های دولتی مندرج در ماده 54، تأکید بر تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان در ماده 98، تأکید بر توجه ویژه به تشکل های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان در ماده 100، تساوی دستمزد زنان و مردان، توانمند

سازی زنان از طریق دستیابی به فرصت های شغلی مناسب مندرج در ماده 101، توانمندسازی زنان در بخش تعاونی در ماده 102، اولویت توسعه اماکن سرپوشیده برای دختران در ماده 117، در مجموع نگاه خاص برنامه ریزان قانون برنامه چهارم توسعه به زنان را نشان می دهد. در بررسی برنامه سوم و چهارم، علاوه بر این که کار بدون دستمزد زنان خانه دار در محاسبه های تولید ناخالص ملی مورد بی مهری قرار گرفته، هدف سیاست گذار تنها بهبود وضعیت زنان تحصیل کرده بوده و کمتر برنامه ریزی منسجم و قابل طرحی برای زنان خانه دار و فاقد تحصیلات عالی تدوین شده است.

به طور کلی با توجه به نتایج پژوهش حاضر می توان گفت که در طول مدت زمان برنامه اول تا برنامه چهارم، حساسیت تدوین کنندگان برنامه به مسایل مربوط به زنان روندی صعودی داشته و بدیهی است این امر منعکس کننده حساسیت های جامعه و ضرورت های اجتماعی است. امروزه دنیا با این واقعیت روبه رو شده که دیگر نمی توان در فرآیند توسعه زنان را نادیده گرفت و تأثیر توانمندی های آنها بر میزان موفقیت دولت های در حال توسعه در زمینه های مختلف، امری غیر قابل انکار است در چنین شرایطی به نظر می رسد تحقق توسعه پایدار در کشور ما نیز بدون توجه به توانمندی های زنان امکان پذیر نیست.

به تدریج و با افزایش این توجهات، نهادهای رسمی نیز برای پیگیری و تحقق برنامه های توسعه مربوط به زنان شکل گرفتند، به نحوی که از ابتدای برنامه سوم، در اکثر سازمان های کشور، مراکز خاص امور زنان تشکیل شد که مهم ترین و تاثیرگذارترین آنها، مرکز سابق امور مشارکت زنان و مرکز فعلی امور زنان و خانواده در نهاد ریاست جمهوری است که از سال 1376 براساس حکم رئیس جمهوری، رسمیت یافت و اصلی ترین هدف آن، تلاش برای افزایش میزان مشارکت زنان در عرصه های مختلف و ارائه توصیه های مناسب به هیئت دولت، مجلس شورای اسلامی و شورای فرهنگی - اجتماعی زنان در زمینه وضع قوانین و مقررات است. همچنین در سال 1377، چهارده پست سازمانی در کمیسیون امور بانوان وزارت کشور و سه پست سازمانی در هر یک از استان های کشور به زنان اختصاص یافته است. در سایر وزارتخانه ها و سازمان های قوه مجریه نیز تشکیلات خاصی برای زنان تأسیس شده است.

تشکیل این نهادها و مراکز هر چند از لحاظ توجه به جایگاه زنان از فایده نیست، اما لزوماً به معنی توجه قانع کننده به موضوعات زنان نخواهد بود. همچنین باید این موضوع را در نظر داشت که بحث زنان در توسعه، هنوز حوزه ای جدید به شمار می رود و پایه تحلیلی آن محدود

است. به همین دلیل صاحب نظران گفته اند که برنامه ریزی با بُعد جنسیت را می توان به خودی خود یک نظریه خاص برنامه ریزی تلقی کرد. با این حال آنچه تاکنون به صورت چهارچوب نظری برنامه ریزی درآمده است، بیش از همه در نظریه توانمندسازی جلوه گر می شود. در نظریه توانمندسازی بر اهمیت افزایش قدرت زنان تأکید می شود، اما این قدرت به صورت برتری فردی بر فرد دیگر نیست، بلکه بیشتر از به توان زنان برای افزایش خوداتکایی و قدرت درونی اشاره دارد. این امر با دستیابی به حق انتخاب در زندگی و تاثیرگذاری بر انتخاب برای ایجاد تغییرات از راه به دست گرفتن کنترل منابع مادی و غیرمادی اساسی محقق خواهد شد (کولای؛ حافظیان، 1385:47).

### پیشنهادهای

کشور ایران پنج برنامه توسعه، قبل از انقلاب و چهار برنامه پس از انقلاب را به اجرا گذاشته است. در این برنامه ها طیف گسترده ای از هدف های کیفی و راهبردها، سیاست ها و اقدامات اجرایی خاص متناسب با آنها تدوین شده است. اما شرایط امروز کشور نشان می دهد که به رغم این همه تلاش، سرمایه گذاری و برنامه ریزی و به رغم کسب موفقیت های نسبی در برخی از زمینه ها هنوز نمی توانیم خود را کشوری توسعه یافته بدانیم و مجموعه ای از نارسایی ها، نقصان ها و مشکلات، کماکان گریبانگیر جامعه و اقتصاد ایران است. این در حالی است که رشد اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی و نیز کسب جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی از اهداف اصلی این برنامه ها بوده است.

به این دلیل، پیشنهاد های پژوهشگر شامل دو قسمت است. در قسمت اول به لزوم داشتن رویکرد قابلیت انسانی در برنامه های توسعه می پردازد و ضرورت اتکای برنامه ریزان به این رویکرد را شرح می دهد و در واقع پیشنهادی است در مورد نوع نگاه نظریه پردازان برنامه های توسعه ای.

**رویکرد قابلیت انسانی** که در این پژوهش به عنوان رویکرد اصلی در توسعه مدنظر بوده و اساساً مبتنی بر رشد و ایجاد قابلیت های انسانی است، رویکردی است که با پیوند زدن رشد گرایبی و توزیع مجدد، می تواند اهداف چندگانه توسعه را در فرآیندی انسانی مبنی بر برخورداری از زندگی دلخواه و آزاد محقق سازد. محرومیت در این رویکرد به معنی محرومیت از درآمد

نیست، بلکه هر آنچه امکان عمل و انتخاب انسان را تهدید می‌کند به نوعی محرومیت محسوب می‌شود، و البته فقدان درآمد نیز نوعی محرومیت است.

با در نظر گرفتن این رویکرد، با داشتن آزادی و انتخاب عمل زنان باید قادر باشند که در فرایند توسعه شرکت کنند و قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را در راه تحقق اهداف توسعه کشور به کار بندند.

در نتیجه، برنامه‌های بعدی توسعه باید دامنه انتخاب و آزادی‌های زنان را گسترش دهند، قابلیت‌های پایه و مهم را برای به توانمندسازی زنان و حضورشان در فرایند توسعه فراهم کنند و زمینه‌های لازم برای برخورداری از فرصت‌های برابر را برای آنان مهیا سازند.

بنابراین، اگر در تدوین برنامه‌های توسعه از چنین رویکرد جامع و کاملی دوری شود، قطعاً نمی‌توانیم امیدوار باشیم که زنان جامعه به توانمندی لازم برسند و در تحقق اهداف توسعه کشور سهیم باشند.

**بخش دوم پیشنهادها** که حاصل تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه و یافته‌های این است در زیر ارائه می‌شود:

1- بنابر نتایج حاصل از این پژوهش، در تدوین تمام برنامه‌های توسعه در خصوص جایگاه زنان، جای خالی تحقیق و پژوهش هدفمند در این حوزه دیده می‌شود. در جهان امروز اهمیت اجرای مطالعات و پژوهش‌ها در به سرانجام رسیدن برنامه‌ها، جای هیچ‌گونه تردیدی ندارد. از یک سو برنامه‌های توسعه در واقع مسیر حرکت کشور را تعیین می‌کنند و از دیگر سو نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، از این رو اهمیت پژوهش و داشتن اطلاعات کامل از وضعیت زنان برای تدوین این برنامه‌ها الزامی و انکارنشدنی است اما تحلیل محتوای این برنامه‌ها، روند منطقی و هدفداری را در اکثر مقوله‌ها نشان نمی‌دهد.

2- به رغم اینکه در برنامه چهارم توسعه به موضوع زنان توجه بیشتری شده است، تدوین مواد قانونی، نوعی کپی‌برداری از مفاهیم غربی را نشان می‌دهد که هنوز در فرهنگ ایرانی جای خود را باز نکرده است و در واقع می‌توان گفت که در همگام شدن با روند جهانی در خصوص زنان، بنیادهای فرهنگی و پایگاه‌های اجتماعی زنان به شکل واقعی آن در نظر گرفته نشده است.

3- در طرح مسائل زنان در برنامه‌های توسعه، اولویت‌های این مسائل در نظر گرفته نشده و زمانی که به مقوله‌ای مثل مشارکت زنان در امور اجتماعی یا فرهنگی می‌رسد، راهکاری

برای تحقق آن مطرح می‌شود نه ارگان خاصی که باید به آن رسیدگی کند. (به جز برنامه سوم که در آن مرکز امور مشارکت زنان مسئول برخی از اقدامات شده‌اند)، این امر ممکن است نشان‌دهنده آن باشد که ذکر مسائل زنان به نوعی صورت توصیه ای و غیرعملیاتی دارد.

4- رویکرد به حل مسائل زنان سرپرست خانوار در همه برنامه‌ها، به جز در برنامه چهارم، شامل دادن کمک‌های مستقیم و نقدی است و تنها برنامه چهارم نگاهی به توانمندسازی زنان دارد و سعی شده است بر رشد قابلیت‌های زنان برای مواجهه با مشکلاتشان تأکید شود. پژوهشگر پیشنهاد می‌کند که راهکارهای توانمندسازی زنان با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی زنان ایران، به شکلی بومی شود و در برنامه پنجم توسعه لحاظ گردد.

5- از آنجایی که نگاه حاکمان و مسئولان کشور در دوره های مختلف برنامه توسعه، دچار تغییر شده، این تغییرات در تدوین قوانین مربوط به زنان نیز اثرگذار بوده است، به نحوی که در برنامه‌های اول و دوم توسعه مسائل مربوط به جنسیت در نظر گرفته نشده و در برنامه‌های سوم و چهارم، این حساسیت اعمال شده است. اگر برنامه ریزان در طراحی برنامه‌های توسعه به اهداف کلان و بلندمدت کشور نظر داشته باشند، شاید مسیری مستقیم‌تر و در نتیجه کوتاه‌تر برای رسیدن زنان به جایگاه واقعی‌شان در جامعه پیش رو داشته باشند. به این معنی که اجماع نظر کلی در خصوص مسائل مربوط به زنان به وجود آید و همگام با آن برنامه های توسعه تدوین و راهکارهای قانونی و حمایتی برای رسیدن به اهداف آن طرح ریزی شود.

6- از آنجایی که پژوهشگر با دیدگاه جنسیت و توسعه (GAD) به بررسی برنامه‌های توسعه اقدام کرده است و به نظر او بهترین راهکار، توجه به مسائل زنان در همه برنامه‌های کشوری است (نه جداکردن امور زنان و واگذاری آن به یک نهاد زنانه خاص)، شایسته است در هر بخشی از برنامه‌های توسعه و در تدوین مواد قانونی مختلف، چگونگی مشارکت زنان نیز مشخص شود تا به این طریق همه دستگاه‌ها و نهادها در برنامه‌های مربوط به خود، زنان را در نظر داشته باشند؛ با استفاده از این راهکار، زنان می‌توانند مستقیماً در همه مسایل کشور دخیل باشند و سهم خود را در فرایند توسعه کشور به انجام رسانند.

## منابع

جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران (خرداد 1389). [اینترنتی] مرکز اطلاعات و آمار زنان شورای فرهنگی اجتماعی زنان. قابل دسترس در اینترنت: [www.iranwomen.org](http://www.iranwomen.org)

سازمان برنامه و بودجه با همکاری سازمان ملل متحد (1378). اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه.

سازمان برنامه و بودجه (1377). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1374-1378) مصوب 1373/9/20 مجلس شورای اسلامی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.

سازمان برنامه و بودجه (1382). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1379-1383) با اعمال آخرین اصلاحات. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز مدارک علمی و انتشارات.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان (1385). مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر برنامه ریزی و مدیریت اقتصاد کلان. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز مدارک علمی و انتشارات، جلد اول و دوم.

سن، آ. ک. (1379). آزادی و برابری. ترجمه، حسن فشارکی. نشر شیرازه. چاپ اول.

سن، آ. ک. (1381). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه، حسین راغفر. انتشارات کویر. چاپ اول.

شادی طلب، ژ. (1381). توسعه و چالش های زنان ایران. تهران: نشر قطره.

شاطری، پ. (1387). رویکردهای موجود در مورد نقش زنان در توسعه. [اینترنتی] سایت اندیشکده روابط بین الملل. قابل دسترس در اینترنت: [www.irtt.ir](http://www.irtt.ir)

دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف). (1372). نقش زنان در توسعه، تهران: روشنگران.

کولایی، ا؛ حافظیان، م. ح. (1385). نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

میرباقری، س. ح؛ مرادیان نیری، ا. (1384). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به انضمام آئین نامه های اجرایی. انتشارات کیومرث چاپ اول.



میرزایی، خ. (1388). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی جلد اول و دوم. تهران  
نشر جامعه شناسان.

#### منابع اینترنتی:

- سایت مرکز آمار ایران [www.sci.org.ir](http://www.sci.org.ir)  
سایت سازمان مدیریت و برنامه ریزی [www.mporg.ir](http://www.mporg.ir)  
سایت وزارت کار و امور اجتماعی [www.irimlsa.ir](http://www.irimlsa.ir)  
سایت بانک جهانی [www.worldbank.com](http://www.worldbank.com)  
سایت یونسکو [www.unesco.org](http://www.unesco.org)  
سایت سازمان بین المللی کار [www.ilo.org](http://www.ilo.org)  
سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد [www.undp.org](http://www.undp.org)  
سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام [www.maslehat.ir](http://www.maslehat.ir)  
سایت معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور [www.spac.ir](http://www.spac.ir)  
سایت مجلس شورای اسلامی [www.majlis.ir](http://www.majlis.ir)  
سایت مرکز اطلاعات و آمار زنان شورای فرهنگی اجتماعی زنان [www.iranwomen.org](http://www.iranwomen.org)  
پایگاه اینترنتی دانشگاه هاروارد، [www.harvard.edu](http://www.harvard.edu)